

بنام خدا

اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران

مرکز ملی مطالعات راهبردی کشاورزی و آب

چکیده گزارش:

الگویی برای بررسی تاثیرپذیری بخش کشاورزی از هدفمندسازی یارانه ها (تغییرات همزمان نرخ ارز و قیمت حامل های انرژی)

اتکا به نفت و توانایی دولت برای مداخله مستمر در بازارها، انحراف قیمت ها را به یکی از ویژگی های مستمر اقتصاد ایران حداقل از ابتدای دهه پنجاه خورشیدی بدل ساخته است. پیروزی انقلاب اسلامی، بروز جنگ تحمیلی و طولانی شدن آن نیز سبب شد تا تفکرات دولت گرای ضد بازار، قدرت بیشتری پیدا کرده و با بسط مداخلات دولت در تمامی جنبه های حیات اقتصادی کشور، انحرافات قیمتی در اقتصاد ایران را شدت بیشتری بخشند. جلوه این انحرافات دراز دامن را در متغیر کلانی همچون ارزش پول ملی (نرخ ارز) تا قیمت محصولات و نهاده های مورد مصرف در بخش های مختلف اقتصاد ایران به کرات می توان مشاهده کرد.

یکی از مهمترین چالش های پیش رو هدفمندسازی یارانه ها آثار کاهش ارزش ریال - ناشی از تورم حاصل از آزادسازی - بر حجم یارانه ها است به نحوی که تحمیل هزینه بر تولیدکنندگان و مصرف کنندگان از طریق تغییر قیمت های نسبی منجر به کاهش شکاف بین قیمت های داخلی و خارجی نیز بشود. چرا که در دور اول هدفمندسازی یارانه ها، کاهش ارزش ریال عملاً سبب شد به رغم افزایش قیمت اسمی حامل های انرژی، شکاف واقعی قیمت حامل های انرژی در ایران و جهان افزایش پیدا کند. از دیگر سو نرخ ارز با تاثیرگذاری بر قیمت نهاده های وارداتی و قیمت نسبی محصولات صادراتی و وارداتی عملاً عرضه و تقاضای داخلی را به صورت غیرمستقیم تحت تاثیر قرار می دهد. لذا با توجه به شرایط اقتصادکلان کشور نمی توان و نباید از تحولات متغیرهای کلانی چون نرخ ارز به سادگی عبور کرد و تصور نمود که بخش کشاورزی تنها تحت تاثیر قیمت نهاده های داخلی و قیمت داخلی محصولات قرار دارد.

اجرای قانون هدفمندسازی یارانه ها از جمله تغییر قیمت های انرژی از یک سو به طور مستقیم هزینه تولید در بخش کشاورزی را افزایش داده و با تغییر قیمت نسبی نهاده ها ترکیب عوامل تولید را در بخش دگرگون می کند و از دیگر سو با تغییر متغیرهای کلان اقتصادی همچون تورم و نرخ ارز به صورت غیرمستقیم ضمن تغییر مجدد قیمت های نسبی، رقابت پذیری محصولات بخش کشاورزی در مقابل محصولات خارجی را نیز تحت تاثیر قرار می دهد.

نتایج این مطالعه نشان می دهد:

■ کشش قیمتی واردات در مورد همه محصولات منتخب بجز گوشت مرغ که ظرفیت تامین کامل آن در داخل کشور وجود دارد، و روغن خام کوچکتر از یک است. هر قدر این کشش کوچکتر باشد، واکنش واردات نسبت به افزایش قیمت وارداتی کمتر می باشد. لذا به واسطه مازاد تقاضای موجود در مورد محصولات منتخب حساسیت واردات در مورد قیمت وارداتی چندان زیاد نیست.

- در صورتی که قیمت داخلی و جهانی ثابت فرض شوند، تاثیر کاهش ارزش پول ملی (افزایش نرخ ارز) بر واردات محصولات منتخب معادل کشش قیمتی برآورد شده و در نتیجه اندک (بجز گوشت مرغ و روغن خام) خواهد بود.
- حساسیت واردات محصولات منتخب نسبت به تولید داخلی کاملاً متفاوت است. در مورد محصولاتی مثل ذرت، برنج، دانه های روغنی و روغن خام به واسطه شکاف بزرگ تقاضا و عرضه داخلی، افزایش تولید هرچند از میزان واردات خواهد کاست ولی میزان واکنش واردات نسبت به تولید کوچکتر از واحد است. در مقابل در مورد سایر محصولات مورد مطالعه تولید داخلی علاوه بر جایگزین شدن کامل به جای واردات، انگیزه واردات را نیز به صورت مضاعف کاهش داده و در نتیجه واکنش واردات نسبت به تولید بزرگتر از واحد است.
- واکنش واردات در مقابل تعرفه حسب انتظار در مورد همه محصولات منفی است. لیکن باید توجه داشت که حساسیت واردات در مقابل تعرفه خود تحت تاثیر تعرفه محصولات جایگزین قرار دارد. برای مثال کشش بزرگتر از یک تعرفه در مورد دانه های روغنی موید امکان جایگزینی واردات روغن خام بجای دانه در صورت افزایش بی محابای تعرفه دانه های روغنی است.
- از آنجا که قیمتی نسبی در توابع صادرات به صورت قیمت صادراتی به قیمت داخلی تعریف شده، حسب انتظار با افزایش نسبی قیمت صادراتی مقدار صادرات می باید افزایش پیدا کند. لذا حسب انتظار کشش های قیمتی صادرات مثبت هستند.
- کشش قیمتی صادرات در مورد محصولات منتخب اندک است. هر قدر این کشش کوچکتر باشد، واکنش صادرات نسبت به افزایش قیمت صادراتی کمتر می باشد. لذا جهش قیمت صادراتی نیز موجب جهش صادراتی این محصولات نخواهد شد.
- در صورتی که قیمت داخلی و جهانی ثابت فرض شوند، تاثیر کاهش ارزش پول ملی (افزایش نرخ ارز) بر صادرات محصولات منتخب معادل کشش قیمتی برآورد شده و در نتیجه اندک خواهد بود.
- حساسیت صادرات محصولات منتخب نسبت به تولید داخلی نسبتاً مشابه و کوچکتر از یک است. به عبارت دیگر بازار صادراتی کشور با تقاضای نامحدود مواجه نیست در صورت افزایش تولید تنها بخش کوچکی از آن امکان صادرات خواهد داشت.
- دسترسی به اطلاعات هزینه تولید و مقدار مصرف نهاده ها به ویژه در خصوص نهاده های مهمی مثل سوخت و آب در کشور با محدودیت هایی مواجه است. در نتیجه اعداد برآورد شده در توابع تولید و هزینه به رغم آنکه اطلاعات مهمی را در خصوص جهت واکنش تولیدکنندگان در اختیار می گذارند ولی از حیث مقدار می باید با احتیاط تحلیل شوند.
- کشش های قیمتی خودی تقاضای همه نهاده ها در مورد کلیه محصولات مورد مطالعه حسب انتظار منفی است. یعنی افزایش قیمت نهاده سبب کاهش مصرف آن در تولید محصول منتخب خواهد شد. نکته جالب توجه آنکه در مورد همه نهاده ها تقاضا کشش ناپذیر است. به عبارت دیگر واکنش کشاورزان در خصوص مصرف نهاده ها در مقابل افزایش قیمت نهاده ها کاملاً ناچیز است.
- در مورد نهاده سوخت در صورت افزایش صد درصدی قیمت سوخت بر اساس توابع هزینه برآورد شده در مورد ذرت و پنبه کاهش تقاضای سوخت کمتر از ۱۰ درصد و در مورد گندم و جو حدود ۲۵ درصد خواهد بود.

■ بر اساس توابع تولید برآورد شده مصرف سوخت تنها در مورد ذرت در ناحیه اقتصادی (یعنی ناحیه دوم تولید) قرار دارد. لذا کاهش تقاضا در مورد محصولات گندم، پنبه و جو نه تنها منجر به کاهش تولید نخواهد شد، بلکه تنها سبب عقلایی تر شدن مصرف می شود.

آزاد سازی قیمت حامل های انرژی به صورت طبیعی قیمت این نهاده را افزایش می دهد. حسب نتایج به دست آمده در این مطالعه آثار مستقیم این افزایش قیمت بر تقاضای نهاده سوخت و به تبع آن بر مقدار تولید نه تنها زیاد نیست، بلکه اندک نیز هست. ولی باید توجه داشت که محدودیت دسترسی به تکنولوژی های سرمایه بر کشاورزی که اتفاقا مصرف حامل های انرژی در آنها بیشتر هم هست، سبب شده که تولیدکنندگان کشاورزی ناگزیر از جبران هزینه رو به افزایش نیروی انسانی در شرایط هدفمند سازی یارانه ها باشند. به عبارت دیگر آثار قیمت مستقیم و نه مستقیم هدفمند سازی یارانه ها هزینه تولید بخش کشاورزی را افزایش می دهد. در عین حال افزایش نرخ ارز (کاهش ارزش پول ملی) ضمن افزایش هزینه نیروی کار، به واسطه ماهیت توابع واردات و صادرات بخش عملا قدرت رقابت بخش کشاورزی را چندان افزایش نمی دهد. یعنی به رغم وابستگی اندک بخش کشاورزی به نهاده های خارجی که می باید با ارز تامین شوند کسش ناپذیری واردات و صادرات در مقابل نرخ ارز باعث آن می شود که به رغم افزایش هزینه های تولید داخلی واردات چندان محدود نشده و صادرات نیز جان مضاعفی نگیرد. لذا در چنین چرخه ای به رغم آثار اندک مستقیم هدفمند سازی یارانه ها، این سیاست عملا تنها موجب کاهش قدرت رقابتی بخش کشاورزی را فراهم خواهد آورد.

همانگونه که بیان شد پاشنه آشیل بخش کشاورزی ماهیت عقب مانده تکنولوژیک آن است. لذا برای گریز از این معضل می باید با سرمایه گذاری در این بخش ماهیت تکنولوژی در آن متحول شود. برای انجام این مهم در کوتاه مدت اعطای یارانه هدفمند برای تغییر ساختار تکنولوژیک برای افزایش قدرت رقابت پذیری بخش کشاورزی در جذب منابع سرمایه ای و سرمایه گذاری دولتی برای زمینه سازی برای سرمایه گذاری خصوصی الزامی است.

تذکر: مباحث و نتایج ارائه شده در این پروژه با همکاری و همفکری کارشناسان و مدعوین محترم در همایش تکمیل خواهد گردید.